



روسیه و بازگشت به سیاست جهان‌گشایی

نخستین بار پس از پایان جنگ سرد، در حالی که قبل از آن با امضای سندی در پی تلاش آمریکا برای نصب سامانه موشکی در شرق اروپا خروج کشورش از پیمان کنترل تسلیحات متعارف را اعلام کرده بود، پیام جدیدی را برای غرب مخابره می‌کند: "روزهای نادیده گرفتن روسیه به عنوان یک نیروی تمام شده دیگر به پایان رسیده است."

هر چند کاخ سفید در تلاش برای پنهان کردن نگرانی‌های خود، تصمیم روسیه را مبنی بر از سرگیری پروازهای بمب افکن‌های دور پرواز راهبردی را اقدامی کم اهمیت دانسته، ولی برخی کارشناسان پرواز این بمب افکن‌های راهبردی را نشانه‌ی ورود به جنگ سرد توصیف می‌کنند. جنگ سرد جدیدی که روسیه در آن کارت‌های جدیدی برای بازی و اعمال فشار بر رقبایش در غرب دارد. طبق اخبار منتشره، روسیه قصد دارد تا سال ۲۰۲۵ میلادی، تولید جنگنده - بمب افکن‌های خود را به دو برابر میزان کنونی برساند و این افزایش شامل تولید بیشتر موشک‌های هسته‌ای و تانک نیز می‌شود. این اقدامات روسیه باعث می‌شود تا قدرت

ادعای روسیه در خصوص مالکیت بر قطب شمال همگی حاکی از آن است که پوتین تصمیم گرفته چهره‌ای ماندگار از خود در تاریخ روسیه بر جای بگذارد. هر چند که از مدت زمان ریاست جمهوری پوتین مدت زیادی نمانده و گمانه زنی‌ها در خصوص ساکن آینده کاخ کرملین هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده، ولی یک چیز مشخص است: پوتین با استفاده از قیمت بالای نفت و همچنین برخی اقدامات انحصارطلبانه در عرصه اقتصاد روسیه نشان داده که در مسیر خود برای تبدیل روسیه به ابر قدرتی جدید مصمم است.

روسیه به دنبال تثبیت قدرت

به باور کارشناسان مسایل بین‌المللی، استراتژی جدید "مشارکت و مقاومت" که روسیه در سیاست خارجی خود در عرصه نظامی، سیاسی و اقتصادی در پیش گرفته بیانگر آن است که مسکو به دنبال تثبیت قدرت سه‌گانه خود در جهان است. دستور اخیر پوتین در خصوص از سرگیری پروازهای مجدد هواپیماهای بمب افکن استراتژیک روسیه برای



محمد صادق امینی

رفتار، موضع‌گیری‌ها و اقدامات روسیه در جامعه بین‌المللی ظرف ماه‌های گذشته شاهد تحولات جدیدی بوده است. به گونه‌ای که بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی بر این باورند که سردمداران کاخ کرملین خواهان احیای قدرت ابر قدرت سابق جهان هستند. نگاهی به تحولات به وقوع پیوسته در روابط روسیه با غرب و موضع‌گیری‌های "ولادیمیر پوتین" بر سر مسایلی مانند بحران مسکو- لندن و اخراج دیپلمات‌ها، تنش روسیه با آمریکا بر سر سپر دفاع موشکی، و همچنین

نظامی مسکو پس از جنگ سرد به بیشترین میزان خود برسد.

پوتین و رویارویی استراتژیک

پوتین در سیاست‌های جدیدی که برای روسیه در پیش گرفته نشان داده که سیاست خارجی‌اش مخاصمه‌جویانه‌تر از آن است که مانند اولین رهبران روسیه پس از پایان جنگ سرد که می‌خواستند از طریق مشارکت با اروپا و کوتاه آمدن در برابر برخی تنش‌ها، غرب مسکو را بخشی از خانه واحد اروپایی تلقی کند، بخواهد در برابر غرب کوتاه بیاید. هر چند که پوتین در ابتدای کارش در ریاست جمهوری روسیه نوعی همکاری گسترده با غرب به ویژه در قبال آمریکا دنبال کرد و مخصوصاً بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر بحث همکاری استراتژیک در مبارزه با تروریسم را مطرح کرد و حتی تعامل مسکو با غرب خصوصاً آمریکا قالب



استراتژیک پیدا کرد، اما این رویه شکست خورد و بر روسیه عیان شد که نه تنها آمریکا روسیه را در جبهه خودش به حساب نمی‌آورد، بلکه رقیب و دشمن خود تلقی می‌کند. در واقع پوتین چون از سیاست همکاری با غرب نتیجه‌ی مناسب را به دست نیاورده، مواضع جدی ضد غربی اتخاذ کرده و قصد ندارد مانند رهبران سابق روسیه به غرب امتیاز بدهد. پوتین با نگاهی به تعاملاتی مانند امضای قرارداد عدم گسترش تسلیحات متعارف با اروپا که در روسیه تصویب و عمل شد، ولی در اروپا به تصویب و عمل نرسید و همچنین امتیازاتی مانند توافق شواردناده و جیمزبیکر که به واسطه آن ۴۷ هزار کیلومتر از دریای برینگ که آلاسکا را از چوکوتکای روسیه جدا می‌کرد و مورد منازعه روسیه و آمریکا بود، در اختیار آمریکا قرار داد، می‌بیند که آن امتیاز دادن‌ها به هیچ وجه نتیجه نداد و باید استقلال و اقتدارش را در صحنه بین‌الملل دنبال کند.

هر چند که روسیه در سیاست خارجی جدید خود به دنبال همکاری برابر با اروپا و آمریکا است، ولی مسکو هنوز از توان کافی برای مقابله با واشنگتن برخوردار نیست و به همین جهت با احتیاط وارد می‌شود، یعنی نه یکسره مقاومت می‌کند و نه یکسره مشارکت. روسیه در حال حاضر اقداماتی را انجام می‌دهد که تحقیری را که در ۲۰ سال گذشته دیده به شکلی جبران کند و در واقع به دنبال افزایش نقش

خودش در معادلات بین‌المللی است و با توجه به این که سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه با مشکلات جدی مواجه شده و آمریکا مانند سابق در موضع بالا دستی نیست و در موضع ضعف به سر می‌برد. روسیه از چارچوب همکاری وارد مرحله "رقابت و همکاری" مرحله‌ای با آمریکا شده است. روسیه ضمن این که همکاری با غرب را کامل رها نکرده، در برابر بخشی از سیاست‌های غرب مقاومت می‌کند که بالاترین نمونه‌ی آن اتخاذ

- روسیه ضمن این که
- همکاری با غرب را
- کامل رها نکرده، در
- برابر بخشی از
- سیاست‌های غرب
- مقاومت می‌کند که
- بالاترین نمونه‌ی آن
- اتخاذ سیاستی
- مستقل در قبال
- خاور میانه است

سیاستی مستقل در قبال خاورمیانه است.

هر چند مقامات غربی برای کاستن از تنش فعلی در روابط بین روسیه با غرب تاکید می‌کنند که بحرانی جدی در روابط میان دو طرف وجود ندارد و در این خصوص به حجم بالای روابط اقتصادی روسیه با اروپا مخصوصاً در حوزه انرژی اشاره می‌کنند، ولی واقعیت این است که شدیدترین عامل رویکرد جدید پوتین برای موضع‌گیری در برابر غرب، به خاطر اشتباهات غرب در نحوه برخورد با روسیه است. به باور برخی از منتقدین غربی از سرگیری پرواز هواپیماهای استراتژیک روسیه اقدامی موجه است، چرا که غرب با گسترش ناتو در روابط خود نسبت به روسیه زیاده‌روی کرده زیرا برای روسیه پیوستن گرجستان و اوکراین به ناتو، مانند نشان دادن پارچه‌ی قرمز به گاو است.

قطب شمال: تشی گرم بر سر نفتی سرد

در حالی که مواضع آمریکا و روسیه بر سر استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپا حتی یک گام به یکدیگر نزدیک نشده و مسکو با آزمایش نسل جدیدی از موشک‌های دوربرد هسته‌ای خود نشان داده قصد کوتاه آمدن در قبال این رویکرد آمریکا را ندارد، ادعای اخیرش در خصوص مالکیت این کشور بر بخش وسیعی از نیمکره‌ی شمالی زمین، اختلافات بین این دو رقیب دیرینه را به شدت عمیق‌تر کرده است. در حال حاضر سردمداران کاخ کرملین سعی می‌کنند با استفاده از مشکلاتی که بر سر راه آمریکا به وجود آمده، جایگاه قدرتمندتری برای روسیه در عرصه نظام بین‌المللی با استفاده از کارت انرژی تعریف نمایند. یکی از ابزارهای مهمی که روسیه در راه رسیدن به این هدف به آن تکیه کرده، دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز است. در حال حاضر نفت و گاز مهم‌ترین عامل انرژی در دنیا است و دست کم تا ۵۰ سال آینده نه تنها این نقش کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه افزایش هم می‌یابد. روسیه با این نگاه می‌خواهد از توانایی صدور انرژی خودش و توانایی تسلط بر شاهراه‌های انتقال انرژی بیشترین استفاده را برای افزایش نقش خود در معادلات بین‌المللی ببرد. بنابر اظهارات کارشناسان، اقداماتی نظیر افزایش حجم سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی، ایجاد بزرگترین کارتل گازی دنیا یعنی گاز پروم، ایجاد کارتل گازی سیب‌نفت، استفاده از انرژی برای تحت فشار گذاشتن همسایگان، طرح ایجاد خطوط لوله جدید، همگی در همین راستا صورت



گزارش‌هایی در این خصوص ادعاهای جدید مسکو را در رسانه‌های بین‌المللی انتشار می‌دهند، ولی رسانه‌های آمریکایی به علت عدم تصویب کنوانسیون قوانین دریایی سازمان ملل متحد در آمریکا، حرفی برای گفتن ندارند و تنها به انتقاد از سیاستمداران آمریکایی پرداخته‌اند؛ زیرا تا زمانی که آمریکا این کنوانسیون را به تصویب نرساند هیچ حقی در این خصوص ندارد.

در همین خصوص اخیراً روزنامه آمریکایی "شیکاگو تریبون" اخیراً در سرمقاله خود نوشت: تنها چیزی که بین ایالات متحده و دستیابی به ذخایر عظیم نفت و گاز در آلاسکا وجود دارد، یک معاهده امضا نشده است. آمریکا می‌تواند ادعای روسیه را خنثی کند ولی به علت عدم پیوستن به کنوانسیون مذکور هیچ حقی برای اعمال نظر در این خصوص ندارد. این روزنامه در ادامه‌ی سرمقاله‌ی خود با انتقاد

از این که آمریکا به علت عدم تصویب قوانین سازمان ملل در خصوص منابع طبیعی در بستر آب‌های بین‌المللی تنها کشور صنعتی جهان است که در این نهاد ۲۱ عضوی از صندلی برخوردار نیست، می‌افزاید: کشورهای روسیه، کانادا، آمریکا، نروژ، دانمارک که پنج کشور قطبی جهان هستند هم‌اکنون تنها از یک منطقه ۲۰۰ مایلی تا سواحل خود برخوردار هستند که هیچ کدام به قطب شمال نمی‌رسد؛ مخالفان پیوستن آمریکا به این کنوانسیون چنین استدلال می‌کنند که این معاهده قدرت و سلطه آمریکا بر دریاها را کاهش می‌دهد ولی این مسأله برای سایر کشورهای عضو نیز صدق می‌کند. از سوی دیگر این قانون دسترسی به حوزه‌های انرژی کف دریاها و اجازه عبور کشتی‌های نظامی و تجاری آمریکا در آب‌های بین‌المللی را تضمین می‌کند. روسیه عضو این کنوانسیون است و برای دستیابی به منابع عظیم انرژی در قطب شمال تلاش می‌کند که به زودی سایر کشورها نیز به آن خواهند پیوست ولی آمریکا با عدم پیوستن به این کنوانسیون نه تنها مزایای اقتصادی و نظامی خود را در آب‌های بین‌المللی از دست داده، بلکه توانایی مقابله با ادعاهای روسیه را نیز ندارد. این سرمقاله در انتها با اشاره به این که تعدادی از سناتورهای کمیته روابط خارجی سنای آمریکا از جرج بوش، رییس‌جمهور آمریکا خواسته‌اند که آشکار از پیوستن آمریکا به این کنوانسیون حمایت کند، می‌آورد: سنای آمریکا هیچ دلیلی برای ترسیدن از عضویت در این کنوانسیون ندارد بلکه همه جور دلیلی دارد که آن را به تصویب برساند.

کمیته‌ای در سازمان ملل متحد برای رسیدگی به چنین ادعایی تشکیل دهد. خبرگزاری‌های بین‌المللی در ماه گذشته اعلام کردند که کشتی یخ‌شکن هسته‌ای روسیه که دو فروند زیردریایی تحقیقاتی را برای حفاری در قطب حمل می‌کرد، پس از شکستن یخ‌های قطبی تا عمق ۴۲۰۰ متری دریا پایین رفتند و یک پرچم روسیه که از جنس تیتانیوم ساخته شده است را بر بستر قطب شمال نصب کردند. دولت روسیه با این اقدام سمبلیک، یک گام به ادعای مالکیت خود بر حدود نیمی از بستر قطب شمال و منابع نفت و انرژی عظیم آن نزدیکتر شد. سفر زیر دریایی‌های روسی Mir I و Mir S و نصب پرچم روسیه بر بستر آب‌های قطبی با پوشش وسیع رسانه‌های جهانی همراه بود و حتی یک مقام روس گفت که این عملیات "مخاطره‌آمیز و قهرمانانه" با "نصب پرچم آمریکا روی کره ماه" قابل مقایسه است. تلاش روسیه برای اثبات ادعای مالکیت خود بر قطب شمال، در شرایطی صورت گرفت که تحقیقات زمین‌شناسی دانشمندان آمریکایی ثابت کرده که ۲۵ درصد از ذخایر نفت و گاز جهان در کف آب‌های قطب شمال قرار دارند. این موضوع از آن جایی حایز اهمیت است که ذخایر نفت و گاز جهان رو به کاهش است و دستیابی هر کشوری به چنین منابع عظیمی می‌تواند برای چندین دهه خیال آن کشور در خصوص منابع انرژی را آسوده کند.

هر چند که روسیه با پیدا کردن چنین مدرکی روز به روز ادعای خود را با اطمینان خاطر بیشتری تکرار می‌کند و رسانه‌های روسی نیز با انتشار

می‌گیرد. در واقع ورود روسیه به قطب شمال ورود به حوزه انرژی‌زا است که می‌تواند به توانمندی مسکو در حوزه انرژی اضافه کند و نقش آن را در معادلات استراتژیک دنیا افزایش دهد. طبق تازه‌ترین تحقیقات انجام شده بیش از یک چهارم ذخایر نفت و گاز جهان در قطب شمال قرار دارند و این یعنی افزایش قدرت هر کشوری که به این ذخایر دست پیدا کند.

در حالی که نیاز جهان به انرژی روز به روز بیشتر می‌شود و شرکت‌های بین‌المللی بزرگ نفتی و گازی جهان به شدت در تلاش برای پیدا کردن منابع جدید انرژی هستند، وجود بیش از ۲۵ درصد از ذخایر نفت و گاز جهان در آب‌های قطب شمال که هیچ کشوری مالکیتی بر روی آن ندارد، انگیزه‌ی بسیار قدرتمندی برای مسکو شده که به تازگی ادعای خود را در خصوص مالکیت بر بخش وسیعی از نیمکره شمالی جهان روز به روز با صدای بلندتری تکرار می‌کند. اواخر ماه گذشته روس‌ها ادعای علمی بزرگی انجام دادند. هیاتی متشکل از ۵۰ دانشمند، روز را در یک یخ‌شکن هسته‌ای سپری کردند و متوجه شدند که یک برآمدگی در زیر آب وجود دارد که مستقیماً سواحل شمالی روسیه را به آب‌های قطب شمال متصل می‌سازد. آنها تأکید می‌کنند که این مسأله حق طبیعی روسیه بر کنترل بخش عظیمی از اراضی قطب شمال را تضمین می‌کند که میلیاردها تن نفت و گاز طبیعی دارد. در حالی که جامعه بین‌المللی هنوز واکنش خاصی در قبال چنین ادعایی از سوی مسکو نشان نداده و آمریکا اعلام کرده که قصد دارد